

گفت وگو با قاتلی که امید زیادی برای آزادی از زندان دارد

به خاطر رفیق پای چوبه دار می روم

مامورها نمی افتادم اما الان راه فرار ندارم.

می دانی تاوان قتل چیست؟

چند سالی باید زندان باشم.

نه، قصاص.

من قصاص نمی شوم!

چرا؟

شش برادر و مادری شیرزن دارم که اجازه نمی دهند من قصاص شوم و رضایت می گیرند. حالا برای این سال های زندان هم برنامه دارم.

چه برنامه ای؟

می خواهم درسم را ادامه بدهم و لیسانس بگیرم. کمی هم وزنم را کم کنم. ببینید شاید تعجب کنید من چرا اینقدر بی خیال هستم. اگر در زندان روحیه و امید داشته باشی می توانی شرایط داخل آن را تحمل کنی. وگرنه زود خودت را می بازی و روزها را می شماری تا کی حکمت اجرا می شود و پای چوبه دار می روی. در این چند روزی که در بازداشتگاه پلیس آگاهی بودم سعی کردم واقعیت را قبول کنم. امیدم را حفظ کردم و برای چندی بعد که بیرون می آیم، برنامه دارم. من به خاطر رفاقت این کار را کردم و الان پشیمان نیستم.

ارزشش را داشت؟

بله. برای رفیق پای چوبه دار هم می روم. دوستم اول قتل را گردن گرفت اما خودم واقعیت را گفتم. وقتی گناه نکرده را قبول کرده یعنی پای همه چیز بوده و باید من هم پای همه چیز بمانم. دوستم کسی را نداد برایش رضایت بگیرند اما من دارم.

خب حرف آخر؟

ممنون که با من مصاحبه کردید. اجازه دارم خواننده های شما را نصیحت کنم؟

بفرمائید

امیدتان را از دست ندهید تا امید دارید زنده هستید انسان بدون امید مرده متحرک است.



تا اینجا گفتم که رفتم خانه دوستم. مقتول و دارو دسته اش هم ریختند آنجا. مقتول با شمشیر ضربه ای به پهلوی دوستم زد و می خواست ضربه دوم را بزند که من با چاقو او را زدم و بعد از خانه بیرون رفتم. فکر نمی کردم این ضربه باعث مرگ کسی شود. اما روز بعد که دستگیر شدم مامورها گفتند، مرد جوان کشته شده و من هم قاتل شدم.

کجا دستگیر شدی؟

داشتم از خانه بیرون می آمدم که دستگیر شدم.

پشیمانی؟

خیلی

اما ناراحت به نظر نمی آیی؟

خب، الان دستگیر شده ام و قتل هم گردن من افتاده. با غصه خوردن مشکلی حل نمی شود. قتل کرده ام و باید تاوانش را بدهم. اگر زودتر فهمیده بودم فرار می کردم و گیر

در حاشیه طرح پلیس برای دستگیری دزدان و مجرمان سابقه دار در میان متهمان نشسته، وقتی می فهمد خبرنگارم می خواهد با او گفت وگو کنم. «ول کن این

هلیانصرتی

تپش

دله دزدها رو، بیا با من صحبت کن. جرمم قتله و جذاب تره.» این همه اشتیاق برای مصاحبه را تا به حال از سوی مجرمی ندیده بودم و به همین خاطر روبه رویش نشستم و به گفت وگو با او پرداختم که در ادامه می خوانید.

چرا آدم کشتی؟

به خاطر رفیق. در دفاع مشروع. اگر نمی کشتم دوستم را می کشت.

برای چی؟

مقتول و دوستم بر سر یک گوشی تلفن همراه با هم اختلاف داشتند. دوستم به مقتول گوشی فروخته بود اما پولش را نمی داد. همین باعث شد دوستم به او زنگ بزند و فحش بدهد. روز حادثه هم مقتول و دوستانش به خانه او آمدند و با شمشیر و چاقو به جانش افتادند. خوب بود من آنجا بودم وگرنه الان مرده بود.

تو چرا آنجا بودی؟

تازه از کمپ آمده بودم و رفتم تا او را ببینم.

معتادی؟

نه. گاهی تفننی می کشم. فوق دیپلم هم دارم.

حالا چه ربطی به مدرک داشت؟

یعنی باسوادم. حواسم هست که گول نخورم و معتاد نشوم. یک روز در حال رفتن به خانه بودم که ماموران ریختن و دستگیرم کردند. کمی گل همراهم بود که به خاطر همین به کمپ اجباری منتقل شدم.

توضیح ندادی چرا مقتول را کشتی؟

بایگانی

سرقت ۸ میلیون تومان پول از نیروی دریایی در بندرعباس

ساعت ۱۱ و نیم صبح دیروز در بندرعباس یک موتورسوار در انتهای خیابان امام خمینی جلوی اتومبیل نیروی دریایی که حامل هشت میلیون تومان پول نقد بود، پیچید و با سد کردن راه اتومبیل و همکاری دو نفر همدست خود با مسلسل ژ-۳ سرنشینان اتومبیل را به رگبار بستند و پس از سرقت پول متواری شدند.

در این حادثه دو نفر نیروی دریایی کشته و یک عابر نیز زخمی شد. جریان این سرقت از سوی مقامات مسؤول تحت رسیدگی است.

روزنامه اطلاعات / ۲۸ مهر ۱۳۵۹

مدیرکل تربیت بدنی استان زنجان به قتل رسید

ساعت ۱۱ و نیم صبح دیروز مدیرکل تربیت بدنی استان زنجان به دست سرایدار استادیوم حاج سیدجواد با ضربات کارد به قتل رسید. گفته شده مدیرکل وقتی قصد بازرسی از استادیوم را داشت، مورد حمله سرایدار ۵۵ ساله استادیوم قرار گرفت. وی پس از این که مدیرکل را تهدید به مرگ کرد، با بیل به او حمله برد و او را به زمین انداخت و سپس با دوضربه کارد که به ناحیه قلب وارد کرد، او را به قتل رساند. متهم که اهل نهاوند است، انگیزه قتل را عدم رسیدگی به وضع استعدادی خود ذکر کرد.

روزنامه اطلاعات / ۱۷ مهر ۱۳۵۹

دستگیری ۲۲ دزد پول در تهران

ماموران شعبه ۱۵ آگاهی شهربانی دو جوان را هنگام فروش مقادیر زیادی ارز در بازار دستگیر کردند. در بازجویی از آنها معلوم شد این دو جوان از سارقان موتورسیکلت سوار هستند که شیشه یک اتومبیل را شکسته و کیف دستی ای را که در اتومبیل بوده سرقت کرده و از داخل کیف ۲۲۲ هزار و ۷۰۰ ریال وجه نقد و معادل ۷۰۰ ریال شیلینگ اتریش، ۲۲۰۰ دلار آمریکا، پنج هزار مارک آلمان، یکصد دینار عراق و ۲۷۰۰ ریال سعودی به سرقت برده اند و در بازار فروخته اند.

در بازرسی بدنی از آنها ارزها و پول های مسروقه کشف و به صاحبش

مسترد شد. طبق اعتراف دو متهم، یک نفر دیگر نیز در این سرقت با آنها همدست بوده که فعلا متواری است و قرار بوده پول های سرقتی را به سه قسمت بین خودشان تقسیم کنند.

ستوان محمدی مامور شعبه ۵ آگاهی به راهنمایی دو سارق مذکور، خانه مسکونی سارق متواری را نیز مورد بازرسی قرار داد و در این بازرسی یک قبضه اسلحه ژ-۳ کشف شد. فعلا دو متهم دستگیر شده بازداشت هستند و فعالیت برای دستگیری سارق فراری ادامه دارد.

روزنامه اطلاعات / ۶ مهر ۱۳۵۹

در این بخش به

اخبار و حوادث جالب

۴۰ سال قبل پرداخته

می شود، اخباری که

از نظر نگارش، تیترو

محتوا بسیار متفاوت تر

از اخباری است که

این روزها در صفحه

حوادث روزنامه ها چاپ

می شود.